

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى

موضوع:

مقدمات؛ حجت؛ خلیفه‌ی خداوند؛ روایات رسیده از خلفاء خداوند (واحد و متواتر)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش

نویسنده: فرهاد گلستان

تاریخ: ۱۳۹۵/۳/۴

نظر نویسنده‌ی کتاب بازگشت به اسلام راجع به تواتر معنوی چیست؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۵/۳/۶

مراد از «تواتر»، روایت حدیث به واسطه‌ی شماری از راویان است که اتفاق آنان بر کذب یا خطا به اقتضای کثرت آنان و اختلاف اماکن و دواعی‌شان معقول نیست و از این جهت، موجب یقین عقلا به اصالت حدیث می‌شود، اما در اینکه روایت چه شماری از راویان، «تواتر» به شمار می‌رود، میان عالمان مسلمان اختلاف نظر وجود دارد. از ظاهر برخی عبارات علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی برداشت می‌شود که شمار معینی برای آنان نیست، بل روایت هر شماری از آنان که موجب یقین نوع عقلا می‌شود، «تواتر» به شمار می‌رود؛ چنانکه در پاسخ به پرسشی درباره‌ی «حدّ التواتر» فرموده است: «مَا يَسْتَيْقِنُ بِهِ عُقَلَاءُ النَّاسِ»^۱؛ «چیزی که عقلا می‌مردم با آن یقین پیدا می‌کنند» و ابتدائاً از تعیین شماری برای راویان آن خودداری فرموده و در گفتاری دیگر، «یقین شخصی» را نیز برای آن کافی دانسته و فرموده است: «فَمَنْ أَتَاهُ شَيْءٌ مِنَ الرَّسُولِ فَأَيَّقَنَهُ فَلْيَطْعَهُ»^۲؛ «پس هر کس چیزی از پیامبر برای او آمد و به آن یقین یافت، از آن اطاعت کند»، هر چند صریح در این معنا نیست و می‌تواند بر «یقین نوعی» حمل شود یا از بابی دیگر جز تواتر باشد.

با این حال، از برخی عبارات دیگر آن جناب دانسته می‌شود که حدّ اقلّ «تواتر»، روایتی است که دست کم چهار مرد عادل در هر طبقه آن را روایت کرده باشند، مشروط به اینکه از سویی در مضمون آن اختلاف نکرده باشند اگرچه در الفاظ آن اختلاف کرده باشند و از سویی دیگر

۱. گفتار ۱۳

۲. گفتار ۳۹، فقره‌ی ۵

با یکدیگر به نحوی همنشین نبوده باشند که به اخذ از یکدیگر یا تبانی با هم متهم باشند؛ چنانکه در روایت عبد السلام بن عبد القیوم بلخی از آن جناب آمده است:

«قُلْتُ: وَمَا حَدُّ التَّوَاتُرِ؟ قَالَ: مَا يَسْتَيَقِنُ بِهِ عَقْلَاءُ النَّاسِ، قُلْتُ: وَكَمْ ذَا؟ قَالَ: أَرْبَعَةٌ رَجَالٌ ذَوِي عَدْلٍ إِذَا لَمْ يَخْتَلِفُوا، كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ﴾! قُلْتُ: زُبَيَّمَا يَخْتَلِفُونَ فِي الْفَاطِمِ وَالْمَعْنَى وَاحِدٌ، قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ، وَلَا يَكُونُ بَعْضُهُمْ قُرْنَاءَ بَعْضٍ فَيُتَّهِمُوا فِي رَوَايَتِهِمْ»^۱ «گفتم: حدّ تواتر چیست؟ فرمود: چیزی که عقلای مردم با آن یقین پیدا می کنند! گفتم: آن چند نفر است؟ فرمود: چهار مرد عادل هنگامی که با یکدیگر اختلاف نکرده باشند؛ چنانکه خداوند بلندمرتبه فرموده است: >چرا چهار شاهد بر آن نیاوردند؟! پس چون چهار شاهد بر آن نیاوردند، آنان نزد خداوند دروغگویان هستند!<. گفتم: چه بسا آنان در الفاظ خود اختلاف کرده اند، ولی معنای یکی است! فرمود: اشکالی ندارد و برخی شان همنشین برخی دیگر نباشند تا در روایت شان (به اخذ از یکدیگر یا تبانی با هم) متهم شوند!«.

البته باید توجه داشت که مراد آن جناب از این گفتار، تعیین حدّ اقلّ تواتر بر بنیاد حس و استشهاد به آیه به مثابه‌ی یک مؤید است؛ به این معنا که بنا بر حس و با توجه به ظهور آیه، روایتی کمتر از این حد، یقین آور نیست و تبعاً متواتر محسوب نمی شود، نه آنکه هر روایتی در این حد، لزوماً یقین آور است و متواتر محسوب می شود؛ چراکه نظر به صدر گفتار آن جناب، ملاک اصلی تواتر، «مَا يَسْتَيَقِنُ بِهِ عَقْلَاءُ النَّاسِ»؛ «چیزی که عقلای مردم با آن یقین پیدا می کنند» است و آن ممکن است در برخی موارد بیشتر از این حد باشد، ولی در هر حال ممکن نیست که کمتر از این حد باشد؛ زیرا محسوس است که عقلای مردم با چیزی کمتر از این حد یقین پیدا نمی کنند؛ چنانکه آیه نیز چیزی کمتر از این حد را در حکم کذب دانسته است.

وانگهی از گفتار آن جناب دانسته می شود که «تواتر معنوی» نیز حجّیت دارد و مراد از آن، روایت یک مضمون مشابه با الفاظی متفاوت به واسطه‌ی شماری از راویان است که اتفاق آنان بر کذب یا خطا به اقتضای کثرت آنان و اختلاف اماکن و دواعی شان معقول نیست و از این جهت، موجب یقین عقلا به اصالت آن مضمون می شود، هر چند به الفاظ روایانش یقین نداشته باشند. به نظر می رسد که بیشتر روایات متواتر، دارای همین نوع از تواتر هستند و روایات دارای تواتر لفظی انگشت شمارند.

تعليقات
پرسش‌ها و پاسخ‌های فرعی

پرسش فرعی ۱

نویسنده: میرزایی

تاریخ: ۱۳۹۸/۶/۲۵

برخی منتقدان می‌پرسند که علت استشهاد علامه به آیهی ۱۳ سوره‌ی نور درباره‌ی چهار شاهد چیست؟ چرا به آیات مربوط به دو شاهد عادل استشهاد نکرده‌اند و حداقل تواتر را دو راوی عادل ندانسته‌اند؟

پاسخ به پرسش فرعی ۱

تاریخ: ۱۳۹۸/۶/۲۸

مراد از «تواتر»، روایت حدیث به واسطه‌ی شماری از راویان است که اتفاق آنان بر کذب یا خطا به اعتبار فراوانی و پراکندگی‌شان معقول نیست و از این جهت، موجب یقین عقلا به اصالت حدیث می‌شود. بنابراین، «فراوانی» و «پراکندگی» در تحقق تواتر شرط است و این در روایت دو راوی وجود ندارد؛ چراکه عقلا دو راوی را «فراوان» و «پراکنده» نمی‌شمارند، بلکه در زبان عربی آن دو را جمع هم نمی‌بندند و معتقدند که حداقل جمع سه نفر است. وانگهی خداوند برای اثبات موضوعی مانند زنا که مهم‌تر از تجارت، وصیت و طلاق است، دو شاهد عادل را کافی ندانسته، بلکه چهار شاهد را ضروری دانسته و این دلیل بر آن است که دو شاهد عادل برای اثبات موضوعی مانند عقاید و احکام دین به طریق اولی کافی نیست؛ چراکه اثبات عقاید و احکام دین از اثبات زنا، یک شخص مهم‌تر است و با این وصف، قطعاً نمی‌تواند به کمتر از چهار شاهد عادل نیازمند باشد.

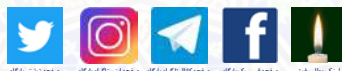


بانگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوم‌ها شیخ جراسانی
مجلس اجتهاد و علمای اهل سنت



www.alkhorasani.com

بانگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوم‌ها شیخ جراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.